

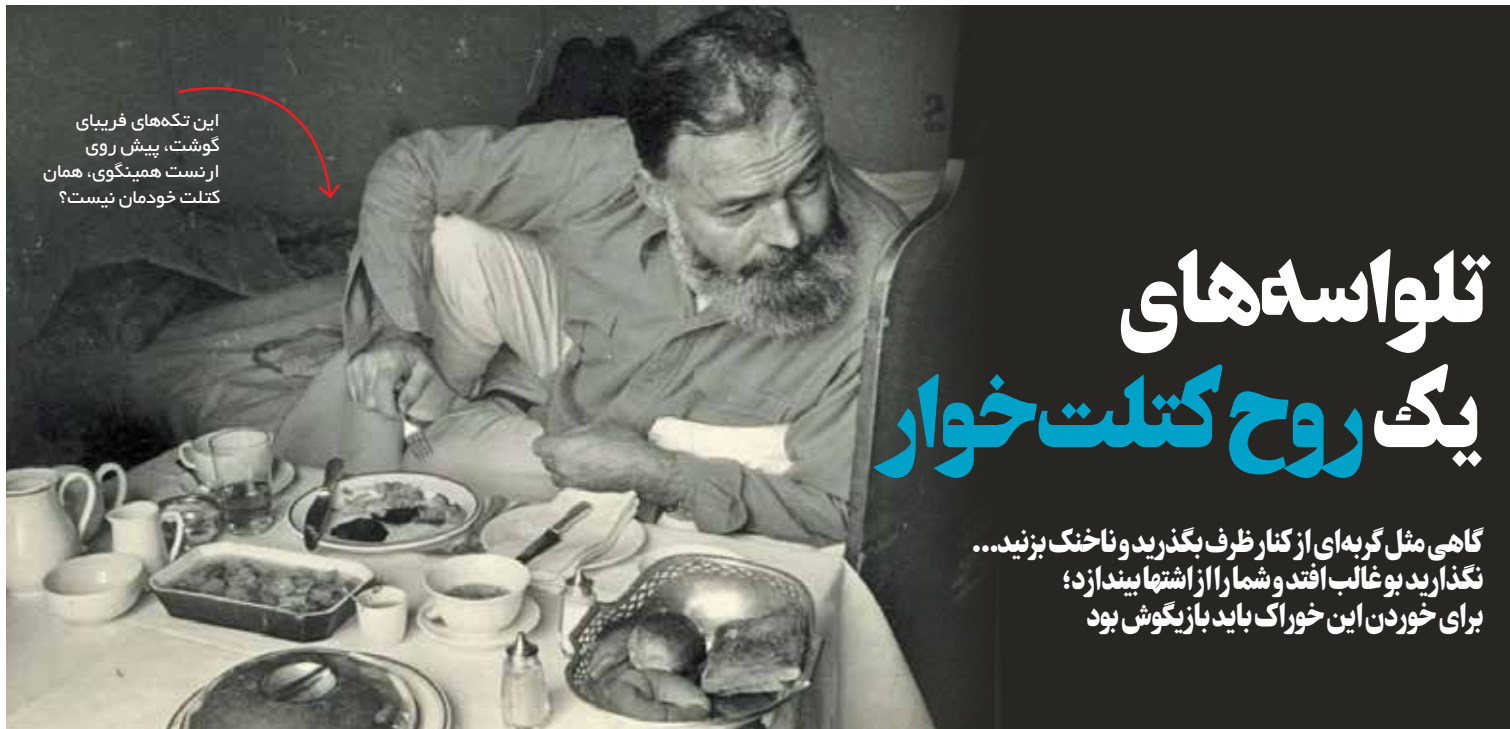


نگار حسینی / روزنامه نگار

او درباره غذا نوشته و توضیح داده
که برای خوردن بعضی خوراک ها باید بازگوش بود

ابراز ارادت جمعی خوش خوراک به اطعمه و اشربه

جنون خوردن



این تکه های فریبای
گوشت، پیش روی
ارنست همینگوی، همان
کتلت خودمان نیست؟

تلو اسه های یک روح کتلت خوار

گاهی مثل گربه ای از کنار ظرف بگذرید و ناخنک بزنید...
نگذارید بو غالب افتد و شمارا از اشتها ببنداند؛
برای خوردن این خوراک باید بازگوش بود

نظر بگذارید. این روزمره ترین تصویری است که یک کتابخوان، از خواندن دارد و شاید مهم ترین پندی که می تواند به دیگران بدهد. از دستبردها بهره یزید. این نیز توصیه اکید یک کتلت خوار است. بگذرید و گاهی از غفلت استفاده کنید و پنجه را به آرامی به سمت ظرف دلباخته از کتلت و سیب زمینی دراز کنید. از تشر نهرا سید که بخشی از لذت غذاست. بگذارید حریف تا سقلمه و چشم دراندنی هم عتاب تان کند و در یک دزدی شیرین غافلگیرتان. خوردن این غذا به همین تصاویر آغشته است. حتی اگر تنها هستید و خودتان میزبانی می کنید، نقش بازی کنید. گاهی مثل گربه ای از کنار ظرف بگذرید و ناخنک بزنید و تصویر مادر تان را با قاشقی داغ ایستاده کنار ماهی تابه زنده کنید. نگذارید بو غالب افتد و

تا به حال به این فکر کرده اید که نویسنده ها چه غذایی دوست دارند؟ بیایید با خودمان صادق باشیم و از کلیشه ها فاصله بگیریم، و آن تصورات رایج را که غذای نویسنده ها کتاب است کنار بگذاریم. واقعیت اینجاست؛ تا به حال، هیچ شکمی را کتاب سیر نکرده. این آجرهای ساخته از کلمات، فقط در گشته تر کردن آدم ها سهم دارند. من به این فکر کرده ام، اما واقعاً نمی دانم گوشت خواران کلمه زار، چه می خورند. درست خواندید! گوشت سهم بزرگی در سیر کردن درنده خویی خدایان کلمه دارد. اما آنها هم به این فکر می کنند که دندان های تیزشان را با چیزهایی کندتر کنند. پس، از سبزیجات برای بر هم زدن این تصویر خون آلود کمک می گیرند. ترکیبی از گوشت سرکوب شده؛ کتلت. ای گوشت مغلوب در فراوانی سیب زمینی، ای بو...

طعام من آن بویی است که چون پس گردنی، بر من فرود می آید، پرت می کند چند متر دورتر از خودم، چند سال. مغلوب گوشت در رشته های تنیده از سیب، کمی فلفل، کمی ادویه و پیاز آب گرفته شده و به خشکی افتاده. بگذارید از اول شروع کنم. از آن بوی غلتیده روی دست، لباس و حتی شیار کردن مادران. اول باید روزنه ها را مسدود کرد. باید از هر شکافی که بو را می پراند دور شد، پنجره ها را پتو کشید و به هوای آشپزخانه محدود ماند. بعد نشست و به صبر در بو غوطه خورد. بویی که یکجا و یکباره نیست. تک تک، ذره ذره و واحد به واحد تلنبار و تفهیم می شود. وقتی عددها در تابه بر می گردند و تو را به صبر دعوت می کنند تا خودت را آماده کنی و صابون را دست گرفته و یکشی گوشت شگمت تا بیضی های گوشت و سیب زمینی نفث خورده، و بو به کناره ها رسوخ کند و در زاویه بنشیند. باید در تفهیم گوشت به پیاز خسیس بود. این عینی ترین و کاربردی ترین تکنیکی است که از دست های مادر در زاویه ای از آشپزخانه آموخته ام. هر چه در گوشت خسیس هستید، در سیب زمینی دست و دلبازی کنید تا بیضی ها مطلوب تر شود. هر چند این سنت از سینه مادر بزرگ تا مادر متعلقاتی متفاوت گرفته است؛ آن یکی آرد نخودچی را به خمیر می خوراند و این یکی چند قاشق بودر سوخاری و یک تخم مرغ که چسب گوشت شود و آن را نپاشاند. من اما گاه این و گاه آنم، به فراخور ذهن که تا کجا کش آید و عقب برگردد. تا کجا کش آید و به آن کاسه بزرگ روحی برسد یا متوقف شود و در آن بلور زاید الوصف که دست مادر و خمیرش را در خود می چرخاند بایستد. غلام آن روحی و بنده این زجاجی.

درست است که صلاح کار خسروان دانند، اما من به حاشیه ها سخت دلبسته ام. به آن خلال های نه چندان باریک و نه ضخیم که طلایی می شود و کنار بیضی های گوشت می نشیند تا لذت را دو چندان کند. تعبیر روشن الزام مقدمه برای فهم متن با زیر نویس گوجه در روغن غلتیده و پیاز حلقه شده و چند پر گشنیز که خاطره تند بو را لطیف کند و در جای درست بنشانند.

گاهی هم به نکته ها توجه کنید. حاشیه ها را بخوانید و شماره صفحه ها را چند تا یکی از



در فیلم «مهمان مامان»
داریوش مهرجویی نیز، هم
شامی و هم کتلت، حضور
داشتند؛ در این صحنه، مادر
یوسف (پارسا پیروز فر) برای
او کتلت لای نان می پیچد

شما را از اشتها ببنداند. برای خوردن این خوراک باید بازگوش بود. و اما در آخر اگر دارید چنین لذتی را به دیگران هدیه می کنید، فراموش نکنید که آن را بی قید و شرط نبخشید که از ارزش آن کاسته اید. خورنده باید منت را بفهمد و برای رسیدن به مطلوب تلاش کند. پس اصلاً بد نیست او را موظف به خرید چند نان تازه کنید و بگذارید حسرت دستبرد کمی در دلش خون ببنداند. سنگک مطلوب تر اما بربری محبوب تر است. پس به فراخور میهمان دل را در این طلب و خُب سنگین کرده و طعم را در ذهن اوتنه نشین کنید که حافظان تاریخ، رستگارانند.